

تحلیلی بر وجوه نهادی مدیریت ریسک در صنعت بیمه مبتنی بر رویکرد اقتصاد هزینه مبادله

kardgar49@yahoo.com

ابراهیم کاردگر

دکتری اقتصاد

meahrari@yahoo.com

مهدی احراری

دانشجوی دکتری اقتصاد نفت و گاز، بازارها و مالیه دانشگاه

علامه طباطبایی (نویسنده مسئول مکاتبات)

پذیرش: ۱۳۹۴/۵/۱۰

دریافت: ۱۳۹۴/۲/۳۱

چکیده: مطالعات متنوعی با رویکرد تحلیل و ارزیابی ریسک در بیمه صورت گرفته ولی کمتر به جنبه‌های شناختی و حقیقی مفهوم عدم اطمینان و ریسک توجه شده است. نقش بیمه‌گران در پوشش عدم اطمینان‌های موجود، در چارچوب قراردادهای حقوقی متبلور می‌شود. بنابراین واحد سنجش معاملات میان بیمه‌گر و بیمه شده، مبادله است. اطلاعات ناقص و نامتقارن، در قالب عقلانیت محدود، بیشترین سهم را در ایجاد هزینه‌های مبادله ناشی از انتخاب نامساعد و مخاطرات اخلاقی ایفا می‌کند. در این پژوهش برآنیم تا با طرح رویکرد اقتصاد هزینه مبادله که مبتنی بر نگرش اقتصاد نهادی جدید است، روشی را که تقریب بیشتری با واقعیات موجود دارد، برای تبیین، تحلیل و راه‌های کاهش هزینه‌های مبادله و ریسک‌های مرتبط ارائه کنیم. شواهد بسیاری وجود دارد که مبتنی بر مفهوم هزینه مبادله، می‌توان بخش عمده‌ای از ریسک‌های مربوطه را شناسایی و به طور پایداری کنترل و مدیریت کرد. همچنین نقش نهاد دولت از منظر وظایف حاکمیتی، قانونگذاری و سیاستگذاری در کاهش زمینه‌های بروز هزینه‌های مبادله در نهادهای پایین‌دستی، از اهمیت بنیادینی برخوردار است. بنابراین می‌توان ساختار مدیریت ریسک را بر اساس رویکرد اقتصاد هزینه مبادله و توجه به زوایای پنهان که ناشی از بروز مخاطرات اخلاقی است همراه با نظام‌های استاندارد ارزیابی ریسک، طراحی و سازماندهی کرد.

کلیدواژه‌ها: بیمه، اقتصاد هزینه مبادله، نهادها، مدیریت ریسک، انتخاب نامساعد، مخاطرات اخلاقی.

طبقه‌بندی **JEL: G22, D23, P37**.

مقدمه

عدم اطمینان یک مفهوم بنیادی در ادبیات اقتصاد بیمه است که ریشه در عوامل نهادی دارد. مهم‌ترین رویکرد در تبیین، تحلیل و طراحی روش‌های راهبردی و عملیاتی در مدیریت ریسک ناشی از طبیعت^۱ (ذات) عینی و حقیقی پدیده عدم اطمینان، درک درست و عمیق از ریشه‌های شکل‌گیری، شرایط محیطی و نهادهای رسمی و غیررسمی مرتبط و ترتیبات پیوسته و فرآیندی آنهاست.

از طرف دیگر یکی از مشکلات اساسی در زمینه قراردادهای بیمه مسئله تشخیص تجربی میان انتخاب نامساعد و مخاطرات اخلاقی^۲ است که ریشه در اطلاعات نامتقارن^۳ دارد (Abbring *et al.*, 2003). برخی مطالعات اقتصاد خرد در مورد بازار بیمه به اطلاعات نامتقارن مربوط است. یکی از این موارد مربوط به انتخاب نامساعد^۴ است. انتخاب نامساعد هنگامی روی می‌دهد که بیمه‌گر در زمان صدور بیمه‌نامه، نمی‌تواند ریسک بیمه‌گذار را مشاهده کند و بیمه‌گذار اطلاعات کامل‌تری نسبت به ریسک خود دارد. (Akerlof (1970 این موضوع را مطرح کرد که اگر بیمه‌گران اطلاعات ناقصی راجع به تفاوت‌های ریسک بیمه‌گذاران بالقوه داشته باشند، در آن صورت برخی از بازارهای بیمه‌ای تشکیل نخواهد شد و سایر بازارهای بیمه‌ای موجود نیز ناکارا خواهند بود. از سوی دیگر در زمینه اطلاعات نامتقارن بسیاری از نظریات به مخاطرات اخلاقی اشاره دارند که از سوی Arrow (1963)، Dreze (1961) و Pauly (1968) به ادبیات اقتصادی وارد شد.

Gravelle (1991) در مطالعه خود به بررسی مسئله انتخاب نامساعد در بازار بیمه انگلستان پرداخت. به باور وی قراردادهای بیمه در این کشور مورد انتقاد نهادهای رسمی قوه قضائیه، کارشناسان و مصرف‌کنندگان است و غیرمنصفانه تلقی می‌شود. به اعتقاد وی عمده این مسائل به دلیل وجود انتخاب نامساعد در بازار بیمه این کشور است و وی در مطالعه خود به تحلیل مبنای اقتصادی انتخاب نامساعد در میان شرکت‌های بیمه و آزمون نتایج رفاهی اصلاح قراردادهای بیمه، به منظور کاهش آثار انتخاب نامساعد پرداخت.

He (2009) در مطالعه خود به نتیجه‌ای مخالف ادبیات اولیه رسید و شواهدی دال بر وجود اطلاعات نامتقارن در بازار بیمه زندگی یافت. پس از آنکه شرکت بیمه افراد را از نظر ریسک از یکدیگر جدا کرد، افرادی که ریسک مرگ بالاتری دارند، میان ۱۹ تا ۴۹ درصد بیشتر، نسبت به دیگران (افراد

-
1. Nature
 2. Moral Hazard
 3. Asymmetric Information
 4. Adverse Selection

با ریسک پایین تر مرگ) احتمال دارد بیمه عمر خریداری کنند. این امر به افق زمانی که برای ریسک مرگ تعریف شده است هم بستگی دارد.

موارد بالا و بسیاری مطالعات دیگر نشان دهنده نوعی از ریسک‌های مترتب بر قراردادهای بیمه‌ای است که در چارچوب دو مفهوم؛ انتخاب نامساعد و مخاطرات اخلاقی، حاصل از وجود اطلاعات نامتقارن، مبادله‌ای پرهزینه را برای طرفین معامله ایجاد می‌کند که نتیجه آن در سطح خرد، کاهش منافع مشترک و عدم پایبندی به اجرا و تعهدات قرارداد فی‌مابین و در سطح کلان، کاهش رفاه و افزایش عدم اطمینان‌های اقتصادی - اجتماعی است.

توجه نداشتن به ریشه‌های اصلی شکل‌گیری مشکلات مزبور، تبعات فرهنگی نهادینه شده‌ای را به وجود می‌آورد که نه تنها عدم اطمینان را به رفع و مدیریت ریسک‌های موجود تبدیل نمی‌کند بلکه به گسترش و تشدید مخاطرات اخلاقی و اطلاعات نامتقارن نیز دامن زده و آثار سوء آنها را نهادینه می‌کند. علاوه بر این، اندازه و ابعاد ریسک، محتوا و ماهیت ریسک، روش‌ها و معیارهای سنجش و برآورد ریسک از یک سو، قوانین، مقررات و بخشنامه‌ها از سوی دیگر و از همه مهم‌تر، نهادها و قوانین و قواعد غیررسمی (هنجارها، باورها، رسوم، عادات، عرف، فرهنگ و...)، تأثیر قابل ملاحظه‌ای را بر ارزیابی و مدیریت ریسک می‌گذارد که بخش سوم آن، می‌تواند سهم عمده‌ای را در کیفیت و کمیت ریسک قرارداد بیمه‌ای به خود اختصاص دهد. بنابراین راه حل، منوط به تبیین عمیق و ریشه‌ای موضوع است که بدون شناخت ابعاد متنوع و عناصر موجد اصلی آن، مخدوش و ره به بیراهه است. نگرش‌های سطحی، محدود و همراه با ایجاد پیچیدگی‌های غیرضرور و انتزاعی رویکردهای جریان مرسوم، نه تنها تحلیل‌های بنیادی و حقیقی را به یافته‌های سطحی تنزل داده بلکه از واقعیات عینی نیز دور شده است.

اقتصاد هزینه مبادله دارای دو ویژگی برجسته برای تبیین و تحلیل ریسک در بازار مبادله و قراردادهای بیمه‌ای است؛ اول: رویکرد نهادی آن و دوم: تدبیر امور. در این مقاله علاوه بر طرح کارکردهای ریسک در بیمه بر اساس اقتصاد هزینه مبادله، مبانی نظری اقتصاد هزینه مبادله مبتنی بر رویکرد اقتصاد نهادگرا نیز بررسی شده و در پایان شواهدی از هزینه‌های مبادله ناشی از عوامل نهادی در قراردادهای بیمه‌ای در ایران ارائه می‌شود. در ادامه، در بخش دوم، مروری بر مطالعات پیشین، بخش سوم، مبانی نظری اقتصاد هزینه مبادله، بخش چهارم، شواهدی از هزینه مبادله در صنعت بیمه در ایران و بخش پنجم، نتیجه‌گیری و پیشنهادها، پایان‌بخش مقاله خواهد بود.

مروری بر مطالعات پیشین

پژوهش‌های متنوعی در حوزه مدیریت ریسک مبتنی بر راهبردهای متداول و ریسک‌های بیمه‌گران در چارچوب ارزیابی توانگری مالی^۱ صورت گرفته است. همچنین بخشی از مطالعات دربرگیرنده روش‌ها و تکنیک‌های برآورد و سنجش ریسک است. مجموعه پژوهش‌های صورت گرفته در چارچوب یک روش‌شناسی مشخص با تغییرات محدود در اجزای داخلی (به‌کارگیری متغیرهای مختلف، تلفیق و ترکیب روش‌ها و...) است. کمتر مطالعه‌ای با رویکرد شناخت ابعاد متنوع و گسترده، مفهوم عدم اطمینان و ریسک در قراردادهای بیمه انجام شده است. به عبارت ساده، مطالعات پیشین بر اساس روش‌هایی به انجام رسیده که تحلیل ریسک را در قالب الگوهای پایین‌دستی و پیچیده‌ای مورد بررسی قرار داده‌اند که فاقد تبیین‌های شناختی و ریشه‌ای است. در این قسمت به مرور پژوهش‌های دربرگیرنده هزینه مبادله با تأکید بر ریسک در صنعت بیمه پرداخته می‌شود.

Cheung (1969)، به بررسی ابعاد متنوع ترتیبات قراردادی^۲ مبتنی بر رویکرد هزینه مبادله پرداخته است. وی بحث خود را از اینجا آغاز می‌کند که هر مبادله‌ای در برگیرنده یک قرارداد است.^۳ وجود ناکارایی‌های متعدد در قراردادها، هزینه‌های مذاکرات و مشکلات فرآیند اجرای قرارداد، متضمن هزینه‌های مبادله هستند. بنابراین ترتیبات قراردادی باید دربرگیرنده وجوه حقوقی و اقتصادی مربوط به هزینه‌های مبادلاتی باشد.

Woodward (1988)، هزینه مبادله را ناشی از دو موضوع اصلی، مورد بررسی قرار می‌دهد. اول؛ عدم تقارن اطلاعات^۴ که مخاطرات اخلاقی و انتخاب نامساعد را پیامدهای آن می‌داند و دوم؛ بروز تضاد خواست‌های^۵ طرفین مبادله، که به تاسی از مبانی نظری کامونز (۱۹۳۴)، مبادله را می‌تواند در طیف وسیعی از حداقل تا حداکثر منافع قرار دهد. او بر این باور است که هدف‌گذاری بانک‌ها و شرکت‌های بیمه در حداکثرسازی سودشان، مبتنی بر کاهش هزینه‌های مبادله ناشی از دو فرآیند گفته شده است. بر این اساس، مزیت‌های رقابتی در چارچوب افزایش وجوه مشترک^۶ و کاهش عدم تقارن‌ها، حاصل می‌شود.

1. Solvency
2. Contractual Arrangement
3. Every Transaction Involves a Contract
4. Informational Asymmetries
5. Conflict of Interests
6. Collective

(Skogh (1999) عنوان می‌دارد که جدی‌ترین تفاوت^۱ رویکرد اقتصاد هزینه مبادله با نظریه مرسوم و متداول بیمه^۲، در کاربردهای متعدد و متنوع بیمه در حوزه‌های حقوق و اقتصاد و به طور ویژه مربوط به رفتار اطلاعات^۳ است. نظریه مرسوم فرض می‌کند که توزیع احتمال هر دو؛ بیمه‌گر و بیمه‌گذار معلوم و مشخص است در حالی که فرض اصلی در هزینه مبادله، عقلانیت محدود است که بر مبنای آن، یک برتری رقابتی برای شرکت‌های بیمه در مقایسه با بیمه‌گذاران، از ناحیه مزیت در تولید (بازتولید) و توزیع اطلاعات به نفع خود ایجاد می‌شود. بنابراین ما شاهد یک رفتار نامتقارن از هر دو سمت مبادله ناشی از مزیت‌های اطلاعاتی خواهیم بود که تبیین‌کننده هزینه مبادله متأثر از ریسک رفتار اطلاعات است.

(Brouthers (2002) نشان داد شرکت‌هایی که نوع ورودشان به بازار را بر اساس هزینه مبادله، ترتیبات و محیط نهادی و زمینه‌های فرهنگی انتخاب می‌کنند، عملکرد به مراتب بهتری نسبت به سایر انتخاب‌ها دارند. بر این مینا، راهبردهایی که مبتنی بر پیش‌بینی‌پذیری^۴ هزینه‌های مبادله طراحی شده، به طور معناداری عملکرد شرکت‌ها را نسبت به عدم توجه به اصل پیش‌بینی‌پذیری هزینه مبادله، بهبود و ارتقا داده است.

(Atwood & Buschena (2003) اثر لحاظ کردن هزینه‌های مبادله، در بهینه‌سازی رفتار افراد در مواجهه با ریسک را بررسی و اندازه‌گیری کردند. نتایج نشان داد این روش اثر معناداری بر رفتار فردی در انتخاب ریسک قرارداد می‌گذارد.

(Janus & Amelung (2005) راهبرد عرضه تجمیعی مراقبت‌های سلامت (IHCD)^۵، را به عنوان یک مبحث اصلی در مدیریت خدمات سلامت، که نوسنداروی هزینه‌های رو به تزاید خدمات مراقبت‌های بهداشتی است از منظر اقتصاد هزینه مبادله مورد واکاوی قرار دادند. مهم‌ترین نتیجه پژوهش ایشان، یافتن درک جدید و عمیقی از IHCD مبتنی بر انسجام حقیقی مدیریت خدمات بهداشتی از طریق تجمیع سازمان‌های مجازی، به جای تجمیع نهادهای خدمات سلامت بود که می‌توانست هزینه‌های مبادله را کاهش دهد.

(Aggarwal (2007) نقش هزینه مبادله را در انتخاب قرارداد^۶، تجزیه و تحلیل کرده است. نتایج نشان می‌دهد کاهش هزینه‌های مبادله از طریق افزایش احساس اطمینان به طرفین قرارداد، منجر به

1. Crucial Difference
2. Standard Insurance Model
3. Treatment of Information
4. Predictability
5. Integrated Health Care Delivery (IHCD)
6. Contract Choice

انتخاب قرارداد مناسب می‌شود.

Zhang *et al.* (2009)، اثر هزینه‌های مبادله را بر سرمایه‌گذاری دارایی‌های ریسکی بررسی کردند.

نتایج نشان داد ریسک بیمه‌گران با تقلیل هزینه‌های مبادله کاهش می‌یابد.

Collins *et al.* (2009)، به بررسی تأثیر اصلاحات در ساختار خدمات درمانی بر کاهش هزینه‌های

اداری بیمه‌ای^۱ در ایالات متحده آمریکا، که بالاترین سهم هزینه‌های اداری بیمه‌ای در میان تمام کشورهای صنعتی را داراست (۳۰ درصد بیشتر از آلمان و سه برابر بزرگ‌تر از ژاپن) پرداختند.

نتایج نشان داد انتخاب یک رویکرد خصوصی - عمومی^۲ در اصلاحات مذکور، با تمرکز بر بازار بیمه، هزینه‌های اداری برآورد شده را از ۱۲/۷ درصد ادعای خسارت به متوسط ۹/۴ درصد کاهش می‌دهد

که مبلغی معادل ۲۶۵ میلیارد دلار صرفه‌جویی از طریق کاهش هزینه‌های اداری بیمه‌ای شامل؛

هزینه بیمه‌گری، بازاریابی، هزینه بررسی ادعای خسارت، زمان صرف‌شده جهت اعلام نرخ پرداختی و

استانداردسازی کارمزد کارگزاران بیمه‌ای، طی دوره ۲۰۲۰-۲۰۱۰ برآورد شد. نکته مهم اینکه رویکرد اصلاحی در برگیرنده وجوه نهادی به هزینه‌های مبادلاتی است که تأثیر فوق‌العاده‌ای بر هزینه‌های

ناشی از ریسک‌های مترتب بر امور اداری بیمه‌ای دارد.

Barrieu & Loubergé (2013)، اثر محدودیت قوانین و مقررات را بر ریسک بیمه‌های زندگی بررسی کرده‌اند. نتایج نشان داد مقررات مختلف، منجر به نتایج کاملاً متفاوتی در ریسک‌های مورد بررسی خواهد شد.

Castano & Mills (2013)، ارتباط مشاهده‌شده میان بیمه‌گران و ۲۲ بیمارستان عمومی در شهر بوگوتای کلمبیا را به منظور شناخت نقش، سرمایه‌گذاری‌های خاص مرتبط^۳ و ناتمامیت قرارداد^۴، به

عنوان منبع هزینه‌های مبادله، در قالب یک پژوهش کیفی گسترده، تحلیل و بررسی کردند. اولین یافته آنها، وجود وابستگی هزینه‌های مبادله به ناتمامیت قرارداد استخراج شده از روابط مبتنی

بر قرارداد^۵، و نه متأثر از سرمایه‌گذاری‌های خاص مرتبط بود. آنها ملاحظه کردند که روابط میان بیمه‌گران و بیمارستان‌های محلی در خصوص خدمات مربوط به مراقبت‌های اولیه، بر پایه مقررات

قراردادهای تعریف شده اجباری است در حالی که برای خدمات کلینیکی، جراحی و بستری، که هیچ محدودیتی را در بر ندارد، حداقل کردن هزینه‌های مبادله در قرارداد لحاظ می‌شود. به نظر می‌رسد

1. Insurance Administration
2. Private- Public Approach
3. Relationship- specific Investments
4. Contract Incompleteness
5. Contract- based Relationships

نتیجه اصلی پژوهش این بود که هزینه‌های مبادله، نقش کلیدی در روابط مبتنی بر قرارداد بازی می‌کند و ماهیت ناتمامیت قرارداد، خود منبع ایجاد هزینه مبادله است.

این پژوهش در پی آن است تا با طرح روش‌شناسی نهادی اقتصاد هزینه مبادله در حوزه مدیریت ریسک در صنعت بیمه در ایران، بتواند یک روش پژوهش مناسب برای مواجهه واقع‌گرایانه با موضوعات متنوع و متعدد در این حوزه را به منظور تبیین و حل ریشه‌ای نواقص موجود ارائه کند.

مبانی نظری اقتصاد هزینه مبادله

با توجه به اینکه در یک جامعه هیچ‌کس نمی‌تواند به تنهایی تمام نیازهای خود را تولید و تأمین کند، در افراد این تمایل به وجود می‌آید که با دیگران به مبادله بپردازند. این تمایل به مبادله در میان مردم است که منجر به تقسیم کار و تخصصی شدن امور، ایجاد تفاوت در میان مشاغل، بروز استعدادها و بالمآل افزایش تولید و ثروت می‌شود (اسمیت، ۱۳۵۷).

در نگرش گفته شده که بخش قابل توجهی از ادبیات اقتصادی را به خود اختصاص داده، فقط به منافع حاصل از مبادله توجه شده است. اما طیف وسیعی از کسانی که به پیروی از اسمیت در این باب قلم زده‌اند به هزینه‌بر بودن فرآیند مبادله توجهی نداشته‌اند. اگر بپذیریم که فرآیند مبادله دارای هزینه است، آنگاه باید اصلاحات قابل توجهی را در نظریه اقتصادی انجام دهیم و عملکردهای اقتصادی متفاوتی را انتظار داشته باشیم (نورث، ۱۳۷۷). هزینه‌بر بودن فرآیند مبادله، به صورت رسمی اولین بار از سوی Coase (1937) تشخیص داده شد^۱ و پس از آن، البته با بیش از سه دهه تاخیر، ادبیات گسترده‌ای در این مورد شکل گرفت (نصیری‌اقدم، ۱۳۸۵).

قراردادها بیانگر و معرف شرایط مبادله هستند که شامل قراردادهای کامل و ناقص هستند. قرارداد کامل مانع از رفتارهای فرصت‌طلبانه و سودجویانه می‌شود به طوری که قیود مربوط به مسئولیت‌ها و حقوق طرفین مبادله را در مورد تمامی احتمالات و اتفاقاتی که ممکن است در طول معامله رخ دهد، تصریح می‌کند و بنابراین راه سوءاستفاده دو طرف مبادله از نقطه ضعف‌های طرف مقابل را مسدود می‌کند. در مقابل قراردادهای ناقص هستند که درجات مختلفی از تعدیل‌پذیری^۲ یا ابهام را شامل می‌شوند که در نتیجه برخی شرایط و تعهدات طرفین مبادله، به روشنی مشخص نشده است. سه

۱. البته این نکته درخور توجه است که کسان دیگری هم پیش از کوز متوجه هزینه‌بر بودن مبادلات بودند، منتها نقش کوز طرح این موضوع در قالب نظریه (رایج) اقتصادی بود.

2. Open- endedness

عامل اصلی که مانع کامل بودن قراردادهای می‌شوند عبارتند از: عقلانیت محدود، مشکلات مربوط به تصریح و سنجش عملکرد و اطلاعات نامتقارن (بزانکو و همکاران، ۱۳۸۵).

Coase (1937) این پرسش را مطرح کرد که با وجود کارایی در ساز و کار بازار رقابتی که در نظریه اقتصادی نیز مورد تأکید قرار گرفته، چرا بسیاری از فعالیت‌های اقتصادی در خارج از نظام قیمت‌ها صورت می‌پذیرد (به عبارت دیگر، مبادلات بازاری درون بنگاه، جای خود را به هدایت تمرکز یافته می‌دهند)؟ او نتیجه می‌گیرد که استفاده از بازار، هزینه‌هایی را در بردارد که با انجام فعالیت‌ها در خود بنگاه، حذف خواهند شد. این هزینه‌ها، هزینه مبادله نامیده می‌شوند. هزینه‌های مبادلاتی شامل صرف زمان و هزینه مذاکرات، تحریر و اعمال به موقع قراردادهاست و زمانی نمود پیدا می‌کند که یک یا چند طرف معامله، امکان انجام فعالیت‌های فرصت‌طلبانه (ناشی از افزایش منافع شخصی) را داشته باشند. هزینه‌های مبادله شامل نتایج نامطلوب رفتارهای فرصت‌طلبانه و همچنین هزینه‌های مربوط به جلوگیری از این رفتارهاست. قوانین قراردادهای ممکن است نتایج رفتارهای فرصت‌طلبانه حاصل از قرارداد ناقص را اصلاح کند ولی نمی‌تواند عواقب آن را به کلی حذف کند. بنابراین وجود قراردادهای ناقص به ناچار هزینه‌های مبادلاتی را در پی دارد (بزانکو و همکاران، ۱۳۸۵).

ادغام یا تصاحب، تنها پایه و اساس قانونی تلفیق بنگاه‌ها با یکدیگر به شمار می‌آید. (Tis (1982)، این پرسش را مطرح می‌کند که چرا صرفه‌های گسترده با هماهنگ‌سازی چندین شرکت مستقل، دست‌یافتنی نیست. این به این معنی است که چرا واحدهای کسب‌وکار باید به شرکت واحدی تبدیل شوند تا بهره‌ها و صرفه‌های مقیاس دست‌یافتنی باشند. وی استدلال می‌کند، زمانی که هزینه مبادله، هماهنگی میان بنگاه‌های (فعالیت‌های) مستقل را پیچیده می‌کند، یک مجموعه (شرکت) چندمحصولی، گزینه کارآمدی خواهد بود. بسیاری از تصمیم‌گیری‌ها در خصوص ایجاد تنوع یا کارکردن به صورت بنگاه‌های (فعالیت‌های) مستقل، از منظر حداقل‌سازی هزینه‌های مبادلاتی پیروی می‌کند (بزانکو و همکاران، ۱۳۸۵).

سایمون که بحث عقلانیت محدود را مطرح کرد و جایزه نوبل را برای وی به ارمغان آورد، در سال پایانی عمرش در شرحی از عقلانیت محدود می‌نویسد: «عقلانیت محدود به طور خلاصه این ایده است که انتخاب افراد تنها به وسیله برخی از اهداف کلی سازگار^۱ و خصوصیات دنیای خارجی تعیین نمی‌شود بلکه دانشی که آنها از دنیا دارند و ندارند، توانایی یا عدم توانایی آنها در احضار این دانش در هنگام مناسب، تدبیر کردن نتایج کنش‌هایشان، به یاد آوردن مسیرهای ممکن کنش، مدیریت عدم

اطمینان (شامل عدم اطمینانی که از پاسخ‌های ممکن دیگران به دست می‌آید) و داوری میان بسیاری از خواسته‌های رقابتی‌شان هم مهم است. عقلانیت محدود است زیرا توانایی‌های آنها به شدت محدود است در نتیجه رفتار عقلایی در دنیای واقعی به میزان زیادی به وسیله «محیط درونی» ذهن افراد که شامل محتویات حافظه و فرآیندهایش است و «محیط خارجی» دنیایی که در آن کنش می‌کنند و کسانی که بر آنها کنش می‌شود، تعیین می‌شود» (Simon, 2000).

محور اصلی در نظریه هزینه مبادله، عبارت از هزینه‌هایی است که ناشی از عوامل متعددی از جمله فرصت‌طلبی طرف‌های قرارداد، دخالت‌های نامناسب دولت، عدم تعریف، تعبیه و تضمین مجموعه‌های حقوق مالکیت، ناکارایی دستگاه قضایی، اطلاعات ناقص و نامتقارن در مورد شرایط مبادله و... است، که طرفین مبادله را دچار هزینه‌هایی می‌کند که به لحاظ فنی عهده‌دار آن هزینه‌ها نبوده‌اند. از این‌رو، بازنگری نظریه مرسوم از لحاظ نهادهایی که هم عملکرد بنگاه در سازماندهی مبادلات را متأثر می‌کند و هم در کارکرد کارآمد اقتصاد کلان مؤثر است، الزامی است و این وظیفه‌ای است که نظریه پردازان هزینه مبادله عهده‌دار آن شده‌اند. هر مبادله قرین یک قرارداد است. این قرارداد می‌تواند نوشته یا نانوشته، رسمی یا غیررسمی باشد (نصیری‌ا قدم، ۱۳۸۵).

(Arrow (1969)، بر این باور است که اهمیت هزینه‌های مبادله به اندازه‌ای است که وقتی ما می‌خواهیم به دلیل زیان‌های رفاهی پیش‌گفته از یک سیستم تخصیص منابع (مثلاً بازار) به سیستم تخصیص منابع دیگر (مثلاً دولت یا بنگاه) منتقل شویم، باید بر حسب هزینه‌های مبادله هزینه و فایده کنیم (نصیری‌ا قدم، ۱۳۸۵).

به طور کلی، Arrow معتقد است که هزینه‌های مبادله مانعی است برای شکل‌گیری بازارها و در مواقع خاصی از تشکیل بازار ممانعت می‌کند. در نهایت، او هزینه‌های مبادله را به صورت «هزینه‌های به حرکت درآمدن و عمل کردن سیستم اقتصادی»^۱ تعریف می‌کند. البته، وی به بحث بنگاه هم متعرض شده است. از نظر او «یکی از انگیزه‌های ادغام عمودی^۲ جایگزینی هزینه‌های خرید و فروش بازاری با هزینه‌های درون بنگاه است؛ وجود ادغام عمودی بیان می‌کند که هزینه‌های عملکرد بازارهای رقابتی صفر نیست، آن‌طور که معمولاً در تحلیل‌های نظری فرض می‌شود» (نصیری‌ا قدم، ۱۳۸۵).

همچنین Arrow، آثار خارجی را حالت خاصی از ناتوانی بازار قلمداد کرد و ریشه ناتوانی بازار را بلا بودن هزینه‌های مبادله دانست. در اصطلاح‌شناسی (ترمینولوژی) آرو، در یک اقتصاد کاملاً دولتی

1. Transaction Costs are Costs of Running the Economic System
2. Vertical Integration

به واسطه هزینه‌های هنگفت اطلاعات و ارتباطات، هزینه‌های مبادله بسیار زیاد است. این تعریف را می‌توان تعریفی در سطح ترتیبات نهادی انگاشت. در مقابل، فردی چون نورث تعریفش را در سطح محیط نهادی ارائه می‌کند (نصیری‌اقدم، ۱۳۸۵).

به دلیل قرابت ویژه این موضوع با مفاهیم و نگرش‌های اقتصاد نهادی جدید، نظریه‌پردازان اقتصاد هزینه مبادله، دو اقتصاددان برجسته اقتصاد نهادگرا، برنده جایزه نوبل؛ (Oliver Williamson (2009) و Douglass North (1993) هستند. ویلیامسون مباحث کوز را پیگیری کرده و نورث مباحث هایک و سایمون را مبنای کار خویش قرار داده که در نتیجه نگاه آنها به بحث هزینه مبادله نیز متفاوت است (متوسلی و همکاران، ۱۳۸۹).

هزینه مبادله از دید ویلیامسون

ویلیامسون بیان می‌دارد: «اما علم انتخاب تنها رویکرد برای مطالعه پدیده‌های پیچیده اقتصادی نیست و نمی‌توان آن را همیشه سودمندترین ابزار دانست. روش مهم دیگر چیزی است که بوکانان به عنوان علم قرارداد^۱ به آن اشاره می‌کنند... قوانین بازی هرچه باشند، دیدگاه قرارداد نقش مفیدی در اجرای بازی ایفا می‌کند و این چیزی است که من به عنوان نظم خصوصی به آن اشاره می‌کنم که شامل تلاش‌های طرف‌های شرکت‌کننده در مبادله برای تنظیم انگیزه‌ها و ایجاد ساختارهای تدبیر امور است که به بهترین شکل نیازهای مبادلاتی آنها را هماهنگ می‌کند» (Williamson, 2002). در نهایت ویلیامسون تقسیم‌بندی خود را دربار علم اقتصاد ارائه می‌کند و آن را به دو دسته عمده علم انتخاب (ارتدکس) و علم قرارداد تقسیم می‌کند. به نظر وی علم قرارداد نیز به دو شاخه نظم عمومی (اقتصاد قانونی^۲) و نظم خصوصی تقسیم می‌شود که نظم خصوصی باز به دو زیرشاخه دیگر تقسیم می‌شود. اولین شاخه بیشتر روی تنظیم انگیزه‌ها (طراحی مکانیسم، نظریه کارگزار، ادبیات حقوق مالکیت رسمی) تمرکز دارد و شاخه دوم به تدبیر امور^۳ به ویژه با توجه به نظریه شرکت‌ها اشاره دارد (Williamson, 2002).

وی بحث اقتصاد هزینه مبادله را جزئی از نظم خصوصی^۴ می‌داند و درخصوص اقتصاد هزینه مبادله یادآور می‌شود: «اقتصاد هزینه مبادله، نه تنها مبادله را به عنوان واحد اساسی تحلیل تلقی

1. Science of Contract
2. Constitutional Economics
3. Governance
4. Private Ordering

می‌کند، بلکه تدبیر امور را ابزاری می‌داند که نظم را القا می‌کند و موجب می‌شود تضادها کم شود و نیل به منافع متقابل^۱ تحقق یابد» (Williamson, 2002).

ویلیامسون در تبیین هسته پژوهشی اقتصاد مبادله با اشاره به فرض عقلانیت محدود و قبول آن از سوی اقتصاد هزینه مبادله یادآور می‌شود: «اما اقتصاد هزینه مبادله یک گام فراتر می‌نهد و خود را از این بینش متداول مبتنی بر عقلانیت محدود که عوامل انسانی را کوتاه‌بینانه تلقی می‌کند، مستثنی می‌سازد. در مقابل کوتاه‌بینی فرض می‌شود که عوامل انسانی، ظرفیت پیش‌نگری آینده را دارند و خطرات احتمالی قرارداد را کشف می‌کنند و اصلاحات قراردادی را بسط می‌دهند» (Williamson, 2002).

ویلیامسون معتقد است بیشتر نظریه‌های مطرح ناظر به گذشته‌اند یعنی نظریه‌ها به طور عموم به دنبال توضیح رفتار گذشته سازمان‌ها و درک منطقی رفتار آنها بوده‌اند. هرچند که این رویکرد اطلاعات مفیدی را فراهم می‌کند، اما باروری زیادی ندارد. زیرا نمی‌تواند پیش‌بینی‌های خوبی از رفتار آینده سازمان‌ها ارائه کند. ویلیامسون در این مورد مطلبی را از «نیکلاس جور - روگن» نقل می‌کند مبنی بر اینکه «اگرچه هدف علوم در کل پیش‌بینی نیست و به خاطر کسب خود دانش است، ولی پیش‌بینی، معیار علمی بودن دانش است» (Williamson, 1998). از این‌رو، وی معتقد است که دیر یا زود باید نظریه‌هایی در مورد سازمان اقتصادی مطرح شود که توانایی پیش‌بینی داشته باشند.

ویلیامسون می‌گوید اقتصاد هزینه مبادله نه تنها در بر دارنده مفاهیم جالبی است و برای درک بسیاری از پدیده‌ها به کار گرفته شده؛ بلکه برای پیش‌بینی هم مفید است (Williamson, 1998). به طور خلاصه در مورد دیدگاه ویلیامسون در اقتصاد هزینه مبادله باید گفت وی بحثش را بر رد فرض عقلانیت نئوکلاسیکی و وجود کوتاه‌بینی و فرصت‌طلبی متمرکز می‌کند و بر این باور است که همین مسئله است که هزینه مبادله را ایجاد می‌کند به نظر وی برای کاستن از هزینه مبادله با توجه به خصوصیات مبادله از یکی از ساختارهای تدبیر امور که همان بازار یا بنگاه است یا ترکیبی از آنها، استفاده می‌شود (متوسلی و همکاران، ۱۳۸۹).

هزینه مبادله از دیدگاه نورث

نورث بیشتر مقالات خود را با انتقاد از فروض نئوکلاسیک آغاز می‌کند. در مورد هزینه مبادله^۲ هم وی با انتقاد از نادیده گرفتن آن از سوی اقتصاد نئوکلاسیک یادآور می‌شود این هزینه در کشورهای

1. Mutual Gain

۲. نورث هزینه مبادله و هزینه معامله را به صورت هم‌ارز به کار می‌برد.

پیشرفته غربی بالغ بر ۵۰ درصد تولید ناخالص ملی است (North, 1991). وی در یکی از اولین کارهایش در مورد هزینه مبادله در تعریف آن می‌نویسد: «هزینه مبادله هزینه تصریح^۱ و اجرای قراردادهایی است که مبنای معامله است» (North, 1984). به نظر وی چهار متغیر عمده این هزینه را تعیین می‌کنند که عبارتند از: ۱. هزینه اندازه‌گیری^۲ که شامل اندازه‌گیری ویژگی‌های ارزشمند کالاها، خدمات مورد مبادله یا اندازه‌گیری عملکرد کارگزاران است، ۲. ماهیت فرآیند معامله^۳ شامل تعیین دقیق مفاد قرارداد و تضمین اجرای آن، ۳. اجرا^۴، چگونگی تضمین اجرا که در واقع وجود قوانین و دادگاه‌هاست و نگرش‌های ایدئولوژیک^۵ که چهارمین متغیر است. متغیر چهارم به باور نورث با بقیه متفاوت است. بر خلاف فرض نئوکلاسیک ترجیحات و سلیق ثابت نیست از این رو این متغیر هم ثابت نیست و به ارزش‌های اخلاقی مرتبط است (North, 1984).

از سوی دیگر نورث بحث در مورد نهادها را نیز با توجه به هزینه مبادله پیگیری می‌کند. وی در این زمینه می‌نویسد: «نظریه من در مورد نهادها تلفیقی از نظریه‌ای درباره رفتار انسان و نظریه‌ای درباره هزینه‌های معاملاتی است. اگر این دو را باهم درآمیزیم درک اینکه نهادها چرا وجود دارند و چه نقشی در عملکرد جوامع ایفا می‌کنند امکان‌پذیر می‌شود» (North, 1990). نورث می‌کوشد وجود هزینه مبادله را با توجه به ساختار نهادی توضیح دهد و حتی به ساختار قضایی نیز توجه می‌کند (متوسلی و همکاران، ۱۳۸۹).

اگر اطلاعات کنشگران اقتصادی ناقص باشد و مدل‌های درونی را به عنوان راهنمای انتخاب طراحی کند و فقط قادر باشند به نحوی بسیار ناقص مدل‌های خود را از طریق بازخورد اطلاعات تصحیح کنند، آنگاه فرض عقلانیت کارآیی^۶ از مصالح اساسی نظریه‌پردازی خواهد بود (نورث، ۱۳۷۷). نورث برای ارتباط دادن این فرض رفتاری با هزینه‌های مبادله می‌گوید: «فرض عقلانیت کارآیی نه تنها صفت مشخصه بخش اعظم جهان گذشته و حال را - که بازارهای ناقص است - علت کاوی می‌کند، بلکه پژوهشگر را به سوی این مسئله مهم هدایت می‌کند که دقیقاً چه عاملی باعث ایجاد بازارهای ناقص می‌شود. یعنی، ما را به سمت هزینه‌های مبادله سوق می‌دهد» (نورث، ۱۳۷۷). اما چرا او به چنین رابطه‌ای اعتقاد دارد؟ علت آن در نوع نگاه نورث به هزینه‌های مبادله نهفته است:

1. Specifying
2. Cost of Measuring
3. Nature of the Exchange Process
4. Enforcement
5. Ideological Attitude
6. Procedural Rationality Postulate

«سنگینی هزینه کسب اطلاعات، کلید فهم هزینه‌های مبادله است، که خود شامل هزینه‌های سنجش ویژگی‌های باارزش اقلام مورد مبادله و هزینه‌های حمایت‌کننده حقوق و هدایت و اجرای قراردادهاست. این هزینه‌های سنجش و اجرا، منشاء نهادهای اجتماعی، سیاسی و اقتصادی‌اند» (نورث، ۱۳۷۷).

از نظر نورث «هزینه‌های مبادله، هزینه‌های مشخص کردن و همچنین تضمین اجرای قراردادهاست - که اساس مبادلات را تشکیل می‌دهند - و شامل تمام هزینه‌هایی می‌شود که برای برخورداری از منافع ناشی از مبادلات باید تقبل شوند» (نورث، ۱۳۷۷).

مطابق استدلال نورث، پذیرش فرض عقلانیت محدود متضمن این معناست که افراد هنگام مبادله در بازار نمی‌توانند قراردادهای کاملی منعقد کنند که حاوی تمام رویدادها و احتمالات متناظر آنها باشد. به این ترتیب، به عنوان یک اصل در اقتصاد هزینه مبادله، قراردادهای همواره ناقص هستند. بنابراین عقلانیت محدود حداقل دو مشکل اصلی را در مبادله ایجاد می‌کند؛ قراردادهای ناقص و امکان تقلب و حيله که هر دو اینها ناظر به دو مسئله مبتلابه قراردادهای بیمه‌ای، یعنی؛ مخاطرات اخلاقی و انتخاب نامساعد است. این فرض متضمن این معناست که امکان سوءاستفاده از نواقص قرارداد به نفع یکی از طرفین مبادله، و در نتیجه کاهش منافع مشترک، از طریق دو مسئله فوق‌الذکر وجود دارد. بنابراین در صورت وجود و البته تشدید چنین مشکلی، احتمال نقض و اصلاحات محدودکننده و پیچیده‌تر در قرارداد وجود دارد، که به طور طبیعی در هر یک از دو حالت مذکور، هزینه‌های مترتب بر آنها افزایش می‌یابد. همچنین مشکل سومی که از این فرض حادث می‌شود، عدم تقارن اطلاعات است که در هر قراردادی وجود دارد و با ریسک‌پذیر یا ریسک‌گریز بودن یکی از طرفین قرارداد، تشدید می‌یابد. مهم‌ترین اثر آن در هزینه مبادله ناشی از مخاطرات اخلاقی ظهور و بروز پیدا می‌کند.

اقتصاد هزینه مبادله دارای کاربردهای متعددی در حوزه شرکت‌های چندبخشی، قراردادهای مربوط به انحصار طبیعی، قراردادهایی که مسئله تعهد را ایجاد می‌کند، سازماندهی شرکت و تأمین مالی و دلالت‌های تمام موارد کاربردی فوق برای سیاستگذاری عمومی، مورد بررسی قرار گرفته است. مهم‌ترین رهنمودهای این رویکرد این است که نخست: منافع مبادله با هزینه حاصل می‌شود و دوم: به علت هزینه‌بر بودن، بازار، تنها سازوکار سازماندهی مبادلات نیست و برای انجام دادن یک مبادله خاص، سازوکارهای مختلفی وجود دارد که متناسب با ویژگی‌های هر مبادله، یک سازوکار کمترین هزینه را دارد. از این‌رو، کارایی تخصیصی جای خود را به کارایی تطبیقی می‌دهد (نصیری‌ا قدم، ۱۳۸۵).

تحلیلی بر وجوه نهادی مدیریت ریسک در صنعت بیمه ایران مبتنی بر رویکرد اقتصاد هزینه مبادله

شواهد بسیاری از مخاطرات اخلاقی در صنعت بیمه ایران وجود دارد که ریسک قراردادهای بیمه‌ای ناشی از هزینه‌های مبادله را افزایش می‌دهد، به طوری که ریسک قراردادها از جنبه عینی و محاسباتی آن خارج شده و هزینه‌های پنهان و غیراخلاقی بر کلیت ریسک معامله حاکم می‌شود، به گونه‌ای که ارزیابی ریسک فراتر از روش‌های رایج باید برآورد شود. عدم شناخت لازم از هزینه‌های مبادله، ارزیابی ریسک را تورش‌دار (بیش‌برآوردی یا کم‌برآوردی) خواهد کرد.

ریشه هزینه‌های مبادله ناشی از عوامل نهادی است که در حوزه بیمه، به طور عمده متأثر از مخاطرات اخلاقی است. نهادهای غیررسمی (باورها، هنجارها، دین، عرف، سنت، فرهنگ و...) بیشترین اثرگذاری را بر پدیده مخاطرات اخلاقی می‌گذارد که در نتیجه ارزیابی ریسک قراردادها را به شدت تحت تأثیر قرار می‌دهد.

برای تبیین موضوع لازم است فرآیندهایی را که منجر به ایجاد و تشدید هزینه‌های مبادلاتی می‌شوند در سه سطح کلی به شرح نهادهای زیر طبقه‌بندی کرد:

۱. دولت (مشمول بر نهادهای رسمی و غیررسمی)

۲. بنگاه

۳. بازار

بدون شک هرگونه تغییرات در نهاد دولت اعم از حاکمیت، نظارت، قانونگذاری و سیاستگذاری که در برگرنده قوانین و قواعد رسمی است، بر راهبردها و رفتارهای سازمانی و محیطی شرکت‌های بیمه (بنگاه)، تأثیر معناداری خواهد گذاشت که نمود عینی مواجهه بیمه‌گران با دریافت‌کنندگان خدمات بیمه‌ای، سایر نهادهای مرتبط مانند قوه قضائیه، نیروی انتظامی، وزارت بهداشت و... و نیز تعامل میان بیمه‌شدگان و نهادهای مرتبط مذکور، در وجود هزینه مبادله و ریسک‌های متنوع مترتب با آن تبلور می‌یابد.

بنابراین روند ایجاد و بروز هزینه‌های مبادلاتی منبعت از یک فرآیند عمودی (از سطح اول به سطح سوم) است به طوری که پیامدهای ریسکی از قوانین نهادهای رسمی، آغاز و در بطن قواعد و ترتیبات نهادهای غیررسمی (هنجارها و...) تبلور می‌شود. بر این اساس می‌توان گفت بسیاری از هزینه‌های مبادلاتی ریشه در قوانین رسمی و تدابیر حاکمیتی دارد، که تنظیم قراردادهای ناقص از سوی شرکت‌های بیمه و در نهایت بروز مخاطرات اخلاقی در عرصه بازار، که در عمده حاصل رفتار

دریافت کنندگان خدمات بیمه‌ای هستند، نتیجه آن خواهد بود.

دو کارکرد اصلی بیمه در اقتصاد، مبتنی بر مفهوم آن عبارتند از:

• پوشش عدم اطمینان و ریسک ناشی از مبادله

• احراز حداکثری وجه نظارتی در مبادله

بر این اساس، ماهیت وجودی صنعت بیمه در امر مبادله، مختص به دو کارکرد مذکور بوده و عاملیت نهادهای نظارتی و عملیاتی در این حوزه، معطوف به درک عمیق و بسیط آن است. هرگونه تورش از این طبیعت ذاتی، انحراف معناداری را از مفهوم کارکردی بیمه ایجاد کرده که می‌تواند در حوزه‌های برنامه‌ریزی، سیاستگذاری، تدوین قوانین و مقررات و فعالیت‌های بیمه‌گری، مشکلات ریشه‌ای و اجرایی متنوع و متکثری را به وجود بیاورد.

عدم توجه به مفاهیم کارکردی مذکور در حوزه نهاد حاکمیت، مشکلات اساسی به شرح زیر در صنعت ایجاد کرده که هر یک از آنها می‌توانند موجد برخی از ریسک‌های حاصل از هزینه‌های مبادلاتی شوند:

• سهم ناچیز صنعت بیمه از تولید ناخالص داخلی (ضرب نفوذ، نسبت حق بیمه تولیدی به $GDP = 1/73$)^۱، بنیانی‌ترین مشکل صنعت که آن را به یک جزیره خارج از جریان اقتصاد ملی تبدیل کرده و بدیهی است بسیاری از مشکلات ساختاری و نهادی صنعت بیمه، ریشه در انزوای آن دارد.

• نبود یک تعریف جامع از مفهوم «رقابت» مبتنی بر درک عمیق از ریشه‌های شناختی، واقعیات و ترتیبات نهادی جامعه و صنعت.

• تشدید مخاطرات اخلاقی در حوزه فروش شرکت‌های بیمه‌ای (و کارگزاران بیمه‌ای) ناشی از ایجاد یک فضای رقابتی کاذب و محدود؛ صدور مجوزهای متعدد و بدون پشتوانه و مبانی نظری علمی و در نظر نگرفتن تبعات نهادی آن، به منظور توسعه فضای رقابتی و افزایش ارائه خدمات، فضای ناسالمی را در مجموعه صنعت بیمه و جامعه هدف ایجاد کرده که نتایج آن: رقابت در فضاهای محدود، نرخ‌شکنی، عدم تقارن تعرفه‌ها، کاهش کمی و کیفی خدمات اصلی و ارائه خدمات غیراستاندارد و غیرحرفه‌ای و موارد دیگری که بعضاً آثار مخرب اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی را در کوتاه‌مدت و بلندمدت برای صنعت، اقتصاد و جامعه در برداشته است.

• عدم توجه به وجه نظارتی بیمه در بسیاری از مبادلات اقتصادی به ویژه حوزه‌های مهندسی که بخش عمده‌ای از هزینه‌های مبادلاتی را در جریان امور به خود اختصاص داده است.

• نبود یک نگرش معطوف به واقعیات و نیازهای جامعه و مبتنی بر رویکرد نهادی و چندبعدی.

۱. تمامی آمارها برگرفته از سالنامه آماری صنعت بیمه (۱۳۹۲) است.

بررسی هریک از شرایط گفته شده و البته برخی موارد بنیادی دیگر، نشان می‌دهد نه تنها صنعت بیمه از نبود زیرساخت‌ها و اصول اقتصادی لازم برای کاهش ریسک‌های مترتب بر مبادلات اقتصادی رنج می‌برد بلکه خود نیز در بند بخش عمده‌ای از ریسک‌های ناشی از مخاطرات اخلاقی است که منجر به ایجاد و تشدید هزینه‌های مبادلاتی می‌شود.

قلب واقعیات، پنهان‌سازی، تقلب، جعل، تبانی و سندسازی پرونده‌های درمانی، عدم اطلاع از وضعیت جسمانی در بیمه‌های زندگی و نمونه‌های متعدد دیگری که در رشته‌های مختلف بیمه‌ای وجود دارد، همگی در چارچوب هزینه‌های مبادله بروز کرده و فرآیند مدیریت و کنترل ریسک را با دشواری‌های نهادی روبه‌رو کرده است.

بیمه‌گران در هنگام صدور بیمه‌نامه برای افراد یا گروه‌ها هیچ‌گونه اطلاعات رسمی و قابل اتکایی از پیشینه و سابقه خسارت‌های قبلی بیمه‌گذار در دست ندارند و جهت اطلاع از سابقه بیمه‌گذار به اطلاعاتی که از سوی او ارائه می‌شود، اتکا می‌کنند که این می‌تواند راه را برای تقلب احتمالی بیمه‌گذار باز بگذارد. فقدان سیستم مدیریت اطلاع‌رسانی جامع در صنعت بیمه علاوه بر ایجاد دشوار و پیچیده کردن فرآیندهای تشخیصی و نظارتی، هزینه‌های سنگینی را بر شرکت‌های بیمه تحمیل می‌کند، به عبارتی فقدان اطلاعات قابل اتکا هم باعث باز شدن راه تقلب برای بیمه‌گذاران می‌شود و هم بیمه‌گران را در شناسایی، ارزیابی و پذیرش ریسک دچار مشکل می‌کند.

از طرف دیگر یکی از موضوعاتی که باعث افزایش هزینه مبادله در صنعت بیمه می‌شود، نگرش غلط بیمه‌گران نسبت به فروش (افزایش پورتفوی به هر بهایی) و رقابت ناسالم در میان بیمه‌گران است که ریشه در نگرش‌های نهاد حاکمیت دارد. نرخ‌شکنی‌ها، عدم همکاری در زمینه ارائه اطلاعات مربوط به بیمه‌گذار و لابی‌گری‌های بعضاً غیرمتمعارف باعث می‌شود بیمه‌گران در بعضی موارد به رغم میل خود تن به شرایط بیمه‌گذار دهند.

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

عدم توجه به رویکردهای بدیل به ویژه در حوزه اصول موضوعه، مجموعه مطالعات متداول را در ورطه ساده‌انگاری مفاهیم بنیادین انداخته که نمود آن را در ارائه تحلیل‌ها و نتایج روتین می‌بینیم که نه تنها نمی‌توانند واقعیات‌های رفتاری پدیده‌های انسانی را تبیین کنند، بلکه با ساده‌سازی و تلخیص اصول به ظاهر مرتبط (که در واقع دارای تفاوت‌های اساسی هستند)، واقعیت و ماهیت ذاتی پدیده‌ها

نیز مغفول و نادیده انگاشته شده است.^۱

عمده ریسک‌های قراردادهای بیمه‌ای در ایران ناشی از مخاطرات اخلاقی است که در چارچوب هزینه‌های مبادله قابل تبیین و ارزیابی است. همچنین باید به عدم تقارن اطلاعات میان نهاد بیمه و نهادهای مرتبط حقوقی، قضایی، پزشکی و... از یک طرف و فقدان یک سیستم اطلاعاتی مرکزی میان شرکت‌های بیمه‌ای^۲ از طرف دیگر به عنوان مشکلات نهادی و ساختاری در طراحی و استقرار نظام مدیریت ریسک اشاره کرد.

عمده هدف این پژوهش، طرح موضوع یک مسئله بنیادی در فرآیند مدیریت ریسک در صنعت بیمه است که اصلاً به آن توجه نشده است و بیشتر مباحث نظارت و مدیریت ریسک در صنعت بیمه از زاویه نگرش‌های روتین و فاقد وجوه متکثر، نهادی و میان‌رشته‌ای آن مورد تحلیل و بررسی قرار می‌گیرد. بی‌شک در این مسیر محدودیت‌هایی نیز برای ارائه شواهد تفصیلی وجود دارد. سعی در ایجاد یک فهم جدید و منطبق بر واقعیات شناختی، همراه با ارائه روش‌شناسی مناسب (اقتصاد هزینه مبادله مبتنی بر رویکرد اقتصاد نهادی) در این حوزه، به عنوان نقطه شروع مباحث متنوع آتی، مهم‌ترین دستاورد پژوهش حاضر است.

مطابق راهبرد هفتم سند چشم‌انداز صنعت بیمه جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴، در خصوص استقرار نظام مدیریت ریسک در مؤسسات بیمه و بیمه مرکزی، لازم است ابعاد متنوع، چندوجهی و نهادی مفاهیم بنیادی عدم اطمینان، مخاطرات اخلاقی و انتخاب نامساعد به درستی درک شود و ساختار مدیریت ریسک در شرکت‌های بیمه مبتنی بر روش‌شناسی اقتصاد هزینه مبادله و اقتصاد نهادی، با استانداردهای ارزیابی و طراحی سازوکارهای مدیریت ریسک تلفیق شده به طوری که بتواند ریشه‌های نارسایی و ناکارایی و عدم تقارن اطلاعات موجود در بازار را به طور جامع و درخوری شناخته و سپس در جهت رفع آن از طریق حذف، بازطراحی^۳ یا اصلاح نهادها و قواعد شکل‌دهنده نظم‌ها و ترتیبات نهادی، اقدام کند. بنابراین پیشنهاد می‌شود متولیان امر بیمه بحث نظارت بر صنعت بیمه را جدی‌تر گرفته و با ارائه راهکارهای مناسب به رفع مشکلات اهتمام ورزند. به عنوان مثال: از بعد عدم تقارن اطلاعات، متولیان امر بیمه در کشور (مانند بیمه مرکزی و وزارت دارایی) باید

۱. رجوع شود به منبع:

Commons, John. R (1970), "The Economic of Collective Action", the University of Wisconsin press, Madison, Milwaukee, London, pp: 83 - 85.

2. Core Insurance
3. Redesign

با ایجاد یک سامانه مدیریت جامع اطلاعاتی مشترک میان تمامی شرکت‌های بیمه‌ای به این مهم بپردازند. به طوری که پس از رخداد خسارت برای یک بیمه‌گذار شرکت‌های بیمه‌ای مکلف باشند تمامی اطلاعات مربوط به خسارت (نوع خسارت، شدت خسارت، وسعت خسارت، دلیل بروز حادثه منجر به خسارت...) را به این پایگاه ارسال کرده و به این ترتیب اطلاعات مربوط به بیمه‌گذار را در صنعت بیمه، تجمیع و تسهیم کنند.

همچنین می‌توان برخی پیشنهادهای را به شرح زیر ارائه کرد:

۱. لزوم بازطراحی و تدوین قوانین و مقررات بیمه‌ای مبتنی بر شناخت دقیق مفاهیم بنیادی بیمه، توجه به واقعیات و خواست‌های اقتصادی - اجتماعی، قواعد رسمی و غیررسمی که از شرایط محیطی - نهادی، استخراج می‌شود، مبتنی بر رعایت اصل انصاف و حقوق حقه، بر پایه اهداف انسانی و توسعه‌ای، تقویت بنیان‌های منافع مشترک، حمایت از حقوق معنوی و مادی بیمه‌گذاران به عنوان سرمایه‌های انسانی و دارایی‌های واقعی بیمه‌گران و در نهایت توجه به ارزش‌گذاری مبتنی بر معقولیت، انصاف و مقبولیت.

۲. لزوم بازطراحی نظام هماهنگی خدمات بیمه‌ای مبتنی بر شناخت جامع و دقیق ترتیبات نهادی (نهادهای رسمی و غیررسمی) مترتب بر نهاد بیمه و ارتباط آن با سایر نهادهای مرتبط: حقوقی، قضایی، انتظامی، پزشکی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی.

۳. لزوم ایجاد یک زنجیره به‌هم‌پیوسته و درهم‌تنیده میان نهادهای بیمه، مالی، سرمایه‌گذاری و نهادهای اجتماعی، فرهنگی، سلامت، حقوقی و... با محوریت شاخص‌های توسعه انسانی.

۴. لزوم بازطراحی ساختار و شاکله شرکت‌های بیمه‌ای مبتنی بر توان رقابتی و همسویی با کارکردهای اصلی بیمه، که تبیین‌کننده اهداف کلان و راهبردی صنعت بیمه است.

۵. تهیه و تدوین نظام‌نامه رعایت اخلاق حرفه‌ای و طراحی مقررات مترتب بر آن در راستای جلوگیری از مخاطرات اخلاقی همراه با اشاعه آموزه‌های دینی و ایجاد ارتباط میان آموزه‌های دینی و مباحث بیمه‌ای و قبح تخلف و تقلب در امور بیمه‌ای.

منابع

الف فارسی:

بزانکو، دیوید؛ درانوه، د؛ شانلی، م. و شفر، س. (۱۳۸۵). *اقتصاد استراتژی (کاربرد قاعده مندی‌های اقتصادی در*

مدیریت/ستر/تثریک)، ترجمه: متوسلی، محمود، انتشارات سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی، مجموعه برنامه و بودجه- ۶۲.

متوسلی، محمود؛ نیکونستی، علی و آبنیکی، مرجان (۱۳۸۹). رویکردهای متفاوت به هزینه مبادله و دلالت‌های آن برای محیط کسب‌وکار و اقتصاد ایران، فصلنامه برنامه‌ریزی و بودجه، دوره ۱۵، شماره ۲.
 نصیری‌اقدم، علی (۱۳۸۵). اقتصاد هزینه مبادله، جستارهای اقتصادی، شماره ۵.
 نورث، داگلاس (۱۳۷۷). نهادها، تغییرات نهادی و عملکرد اقتصادی؛ ترجمه: محمدرضا معینی، تهران: انتشارات سازمان برنامه و بودجه.

(ب) انگلیسی:

- Abbring, H.; Jaap, Chiappori; Pierre-Andre', J. Heckman, James, Pinquet, Jean (2003). "Adverse selection and moral hazard in insurance: can dynamic data help to distinguish?", *the European Economic Association*.
- Akerlof, George A., & Janet Yellen (1988). "Fairness and Unemployment," *American Economic Review*, 78(2), pp. 44-49.
- Akerlof, George. A. (1970). "The Market for "Lemons": Quality Uncertainty and the Market Mechanism," *The Quarterly Journal of Economics*, 84(3), pp. 488 - 500
- Arrow, Kenneth J. (1963). Uncertainty and the Welfare Economics of Medical Care, A. E. R. 53, pp. 941-973.
- Arrow, Kenneth. J. (1969). "The Organization of Economic Activity: Issues Pertinent to the Choice of Market versus Non-market Allocations", in Analysis and Evaluation of Public Expenditures: *The PPP System by the Joint Economic Committee of Congress*.
- Brouthers, Keith. D. (2002). Institutional, Cultural and Transaction Cost Influences on Entry Mode Choice and Performance, *Journal of International Business Studies*, 33(2), pp. 203-221 (19)
- Castano, Ramon & Mills, Anne (2013). The consequences of hospital autonomization in Colombia: a transaction cost economics analysis, *Health Policy & Planning*, 28 (2), pp.157-178.
- Chuang, Steven (1969). Transaction Costs, Risk Aversion, and the Choice of Contractual Arrangements, *Journal of Law and Economics*, 12(1), pp. 23-42.
- Coase, Ronald (1937). The Nature of Firm, *Economica*, New series, 4(16), pp. 386-405.
- Collins, Sara R.; Rachel Nuzum; Sheila D. Rustgi; Stephanie Mika; Cathy Schoen & Karen Davis (2009). How Health Care Reform Can Lower the Costs of Insurance Administration, *Commonwealth Fund pub.* 1299, Vol. 61.
- Dreze, Jacques H. (1961). Les fondements logiques de l'utilite cardinal et de la probabilité subjective, *La Decision*, pp. 73-87.
- Gravelle, Hugh (1991). "Insurance law and adverse selection", *International Review of Law and Economics*, 11, pp. 23-45.
- He, Daifeng (2009). "The life insurance market: Asymmetric information revisited", *Journal of Public Economics*, 93, pp. 1090-1097.

- Janus, Katharina and Amelung, Volker (2005). Integrated Health Care Delivery Based on Transaction Cost Economics: Experiences from California and Cross-National Implications, *International Health Care Management (Advances in Health Care Management*, Vol. 5), Emerald Group Publishing Limited, pp.117-156.
- North, Douglass & Denzau, Arthr. T. (1994). Shared-MentalModels: Ideologies and Institutions, *Kyklos*, Vol. 94
- North, Douglass. C. (1991). in: Furubotn, Eirik Grundtvig, The New Institutional Economics : A Collection of Articles From the Journal of Institutional and Theoretical Economics, Texas A&M University Press.
- North, Douglass. C. (1990). *Institutions, Institutional Change And Economic Performance* (Political Economy of Institutions and Decision). Cambridge University Press.
- North, Douglass. C.(1984). Government and the Cost of Exchange in History, *The Journal of Economic History*, 44(2).
- Simon, Herbert. (2000). Bounded Rationality in social science: Today and Tomorrow, *Minds & Society*, 1, pp. 25-39.
- Skogh, Göran (1999). *Institutional Economics of Insurance and Liability*, Encyclopedia of Law and Economics, entry Mandatory Insurance, Edward Elgar Publishing, p. 522.
- Williamson, Oliver.E. (1998). The Institutions of Governance, *American Economic Review*, American Economic Association, 88(2), pages 75-79
- Williamson, Oliver, E.(2002). The Theory of the Firm as Governance Structure: From Choice to Contract , *The Journal of Economic Perspectives*, 16(3) ,pp. 171-195.
- Williamson, Oliver E. (2009). Transaction Cost Economics: The Natural Progression, Prize lecture, December 8
- Woodward, Susan, (1988). A Transaction Cost Analysis of Banking Activity and Deposit Insurance, *Cato Journal*, 7(3).